

جمهوری غیر متمرکز - فدرالیسم در ایران

میزگرد و بحث آزاد



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

دعوت به میزگرد سیاسی و بحث آزاد

مبارزات مردم کشور ما علیه حکومت نا مشروع و سرکوبگر جمهوری اسلامی هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند. جمهوری اسلامی ناتوان از حل کوچکترین مشکل کشور، تنها راه حل بقای خود را سرکوب و فشار بیشتری بیند. مجموع شرایط بین المللی و داخلی حاکی از سقوط این نظام دینی و ضد انسانی است. یکی از دغدغه های مهم امروز اپوزیسیون، جامعه سیاسی و روشنفکری ما، نوع نظام و ساختار سیاسی آینده کشور در پسا جمهوری اسلامی است. برخی دولت متمرکز را عامل استبداد در ایران و راه حل را یک نظام غیر متمرکز می دانند. برخی نیز از یک سو با توجه به تنوع فرهنگی، زبانی و ملی/قومی در ایران و از سوی دیگر بی عدالتی و سرکوب مضاعف در مناطق مختلف کشور، راه حل را یک نظام فدراتیو می دانند.

در این راه ما با برگزاری جلسات بحث و گفتگو، سعی در روشن شدن زوایای گوناگون این موضوع حساس و مهم آینده کشورمان خواهیم کرد. لذا شما را به شرکت در این میزگرد و بحث آزاد دعوت می کنیم.

موضوع :

(جمهوری غیر متمرکز - فدرالیسم در ایران)

آغاز گران بحث:

- دکتر پیمان جواهر حقیقی، جامعه شناس و فعال سیاسی

پیمان جواهر حقیقی در ابتدا به تعریف دولت فدرالیسم می پردازد و توضیح می دهد این نوع از دولت، شکلی مناسب و امکان پذیری برای فردای کشورمان ایران است و سپس به چگونگی ساختار دولت فدرال می پردازد.

- کیومرث صابغی، فعال سیاسی و از همراهان جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران"

کیومرث صابغی به تفاوت های بین دولت غیرمتمرکز و فدرال می پردازد و اینکه آیا فدرالیسم سیستم مناسبی برای کشور متنوعی مانند ایران است یا خیر. ایشان دو نوع فدرالیسم را بررسی می کنند. تقسیمات جغرافیایی/استانی و زبانی-ملی/قومی. ایشان درباره تفاوت های این دو نوع فدرالیسم، مانند حق زندگی بدون محدودیت در هر منطقه، الزامات شهروندی، و توانایی احزاب ملی برای تلاش های انتخاباتی بحث می کنند. در آخر ایشان همچنین بررسی می کنند که کدام حوزه ها باید تحت اختیارات دولت فدرال مرکزی قرار گیرند، مانند روابط خارجی، برنامه ریزی اقتصادی، سیاست های مالی، مالکیت معادن و منابع، نظارت بر انتخابات، دادگاه ها و ارتش.

- یونس شاملی، فعال سیاسی و عضو حزب دموکرات آذربایجان"

یونس شاملی درباره فدرالیسم در ایران بحث می کند و با تأکید بر اهمیت دموکراسی و حقوق برابر برای شهروندان، علیه حکومت تک قومی/ملی استدلال می کند. او پیشنهاد می کند که سیستم فدرال آینده در ایران باید بر پایه فدرالیسم ایالتی و با استفاده از ساختار طبیعی ایالت های موجود در تاریخ ایران باشد. در حالی که سیستم استانی فعلی ممکن است به طور موقت در دوره انتقال استفاده شود، ساختار آینده باید بر اساس فدرالیسم ایالتی باشد. ساختار فعلی استانی باید تا حد امکان در ساختار فدرالیسم

ایالتی آینده حفظ شود تا ساختار فدرالیستی برای دولت های
ایالتی حفظ شود.

زمان:

جمعه ۱۴ اپریل از ساعت ۱۹:۰۰ به وقت اروپای
مرکزی

برابر با ۲۵ فروردین از ساعت ۲۰:۳۰ به وقت
تهران

محل برگزاری: تالار زوم، جنبش جمهوری خواهان
دموکرات و لائیک ایران

<https://us02web.zoom.us/j/84298030825?pwd=VkdtUnFJVEQzQU9iM2NLUW90bmtWdz09>

Meeting-ID: 842 9803 0825

Kenncode: 082036

غیبت شرط آزادی پایداری در
منشور فرودستان

مهران زنگنه



در کنار حرکت‌های عمدتاً نیروهای ضد انقلاب (که در مقاله‌ی «بررسی آرایش نیروهای سیاسی در روند جاری و بحران روامندی» در موردشان می‌توان خواند)، یک حرکت برجسته و قابل تامل در جنبش فرودستان نیز صورت گرفته است: انتشار «منشور مطالبات حداقل» با امضای بیش از بیست تشکل که باز محتاج بررسی است. این حرکت موجب همگرایی در میان فرودستان شده است و می‌تواند مبین آغاز شکلگیری یک نیروی موثر باشد. این نیرو از یک سو می‌تواند مانعی باشد در مقابل حرکت سبزه‌های اسلامیت موسوی و اصلاح‌طلبانی که قصد دارند، جنبش را از سرنگونی بدون قید و شرط باز دارند و آن را محدود به تغییر قانون اساسی بکنند و از سوی دیگر مانع جدای است در مقابل جریان ارتجاعی و سرکوبگر سلطنت طلب که خواهان «تعویض رژیم» است.

کسانی که با روند و نحوه‌ی نوشتن چنین متونی آشنا هستند، می‌توانند فشار سیاسی برای تولید «سریع» اجماع را در نوشته به سرعت تشخیص بدهند. می‌توان این فشار را در ناهنجاری و صورتبندی معذب برخی از مطالبات دید. مثال بزنیم: ذکر سیاست ساختی-اقتصادی که در متن به معنای سیاست همپرازای اقتصادی ناحیه‌ای مثل سیاست ساختی/همپرازسازی آلمان شرقی/غربی در چند دهه‌ی اخیر است و حتی ذکر **بازسازی زیرساخت‌ها** آن در این سند، یکی از موارد صورتبندی معذب در منشور است. علیرغم صورتبندی معذب در واقع با تفسیر و ترجمه‌ی خواست به «خواست توسعه‌ی موزون»، این خواست می‌تواند در عین حال مبین سطح بالای آگاهی و دریافت از نابرابری‌ای تلقی گردد که مسئولش بورژوازی و سرمایه‌داری در قرن اخیر و ناتوانی طبقه حاکم در توسعه‌ی ایران به عنوان یک خواست ملی-طبقه‌ای است. در این مورد منشور صرفنظر از صورتبندی معذب از تمام جریانات سیاسی مدعی رهبری (چپ و راست) در چند دهه‌ی گذشته پیشی گرفته است.

باید اما در سطح زبان نوشته نماند که احتمالاً ابهامات و غیر مفهومی بودن آن بواسطه‌ی تعدد نویسندگان و نیاز به تولید هم‌رایی اجتناب‌ناپذیر بوده است، و نمی‌توانسته دقت زبان کارشناسانه داشته باشد. احتمالاً در آثار امضاء کنندگان در هر مورد صورتبندی دقیق‌تر را می‌توان یافت.

منشور مطالبات حداقل فرودستان
فرودستان‌ها و کارکنان آنها
فرودستان‌ها و کارکنان آنها
فرودستان‌ها و کارکنان آنها

در این منشور چند وجهی است که به یک سلسله مطالبات را در بر دارد، اما در واقع بر بستر «تموجات سیاسی دوره‌ای» در وجه غالب یک منشور سیاسی در مقابل دستراستی‌ها در روند جاری است که علت شکاف در جنبش اعتراضی هستند. به این اعتبار مبین اراده‌ی معطوف به قدرت فرودستان و یک نقطه‌ی شروع است. صرفنظر از این یا آن خواسته این وجه در منشور در کل مبین آگاهی فرودستان و درجه‌ی آمادگی فرودستان برای تشکیل یک حکومت است. از این زاویه آنچه در راستای انسجام اراده‌ی معطوف به قدرت فرودستان لازم است ولی در این منشور به طور صریح غائب است یک گزاره است: «ما می‌خواهیم خودمان حکومت بکنیم» در آن یافت نمی‌شود، این در حالی است که خواست آزادی صریحا و بارها ذکر شده است و شرط آزادی پایدار توزیع منابع قدرت در سطح جامعه و بستگی به شکل حکومت دارد.

پایه‌ی مادی پروژه‌ی آزادی فرودستان، در نهایت دفاع از حصه‌ای است که هر فرد بواسطه‌ی ایرانی بودنش در ثروت طبیعی ایران دارد و بواسطه‌ی نقشش در روند تولید و باز تولید ثروت و یا به طور کلی در روند تولید و باز تولید حیات اجتماعی باید کسب کند. این حصه را نمی‌توان پیگیرانه خواست اگر انسان همچون در دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی از آزادی بی بهره باشد و حق پرسش در مورد سهمش در ثروت ملی نداشته باشد.

آزادی قابل تقسیم بین اهالی یک کشور نیست، اما منابع قدرتی که تضمین کننده‌ی آن هستند، قابل تقسیم‌اند. اگر این منابع به تساوی بین اهالی تقسیم نشوند، آزادی نسیمی گذرا خواهد بود. انقلاب مشروطه و ۵۷ و در پی آنان استبداد سیاه حکومت سلسله‌ی کودتا و استبداد اسلامی صحت این حرف را نشان می‌دهند. از آزادی پایدار و یا ساختاری زمانی می‌توان حرف زد که ساختار اجتماعی توزیع برابر منابع قدرت را ایجاب بکند.

در وجه فرهنگی پیش‌شرط آزادی پایدار تحولی در فرهنگ سیاسی است. این تحول به شکلگیری اراده‌ی معطوف به قدرت و بنا براین به آگاهی فرودستان برمی‌گردد. این تحول سیاسی/فرهنگی را می‌توان به سادگی در پرتو چند سؤال صورتبندی کرد. باید هر فرودستی از خود

پرسیده باشد: «می‌خواهم حکومت بکنم؟»، «می‌توانم حکومت بکنم؟» و به این دو سؤال جواب مثبت داده باشد و شکل حکومتی را تعیین بکند که امکان حکومت او را فراهم بیاورد. به عبارت دیگر خواهان توزیع عادلانه‌ی منابع قدرت یا منابع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به قسمی بشود که امکان دخالت هر کس را در سیاست تضمین بکند. آزادی پایدار و شرط آن یعنی توزیع عادلانه‌ی منابع قدرت یک حکومت جمعی را ایجاب می‌کند. خواست قدرت فرودستان یا خواست حکومت باید در منشور صریحا ذکر می‌شد، و به این ترتیب باید منشور اعلام می‌کرد: خواهان آزادی پایدار یا حکومت فرودستان است!

اما اینکه ابتکار عمل را خود فرودستان، جدا از سازمان‌های سیاسی در دست گرفته‌اند و یک منشور منتشر کرده‌اند، بسیار با معنی است. این حرکت نشان پیش افتادن امضاء کنندگان از سازمان‌هایی دارد که □□□□□□ در وجه سیاسی سازمان دهنده‌ی جنبش باشند. این منشور را باید □□□□ □□□□□□□□□□ در راستای وحدت نیز تلقی کرد. در صورتیکه این سازمان‌ها این پیام را درک نکنند و یا ندیده بگیرند، به حاشیه‌ی انقلاب رانده خواهند شد و در آرایش قوای آتی در «لحظه‌ی» انقلاب نقشی نخواهند داشت. حل بحران در این سازمان‌ها که پراکندگی یک نمود آن است، شرط شرکت □□□□ آنان در انقلاب است. در مورد حل بحران نباید ساده‌لوحی به خرج داد؛ حل این بحران منوط به حل مسئله‌ی قدرت در هر سازمان و در میان این سازمان‌ها از طریق فراهم آوردن مکانیسم‌های تولید اجماع و اجماع بر سر یک تاکتیک-نقشه برای کسب قدرت فرودستان در انقلاب است. باید افزود منشور یک وجه از این وحدت یعنی «وحدت جنبشی» و از «پایین» را امروز به نمایش نهاد که در تعامل با وحدت جریان‌ات سیاسی و با گزاره‌ی «می‌خواهم حکومت بکنم» تعالی خواهد یافت.

عوامل حکومت ایران برای شکستن

روحیه معترضان به کودکان تجاوز جنسی کرده اند.



نشست خبری عفو بین الملل به مناسبت نشر گزارش سالانه این نهاد در
پاریس ۲۷ مارس ۲۰۲۲

گزارش سالانه عفو بین الملل

28 مارس 2023

سازمان عفو بین الملل در گزارش سالانه خود که در روز ۸ فروردین ۱۴۰۲ / 28 مارس آن را منتشر کرد، موارد گسترده نقض حقوق بشر مقام های جمهوری اسلامی در برابر معترضان را مستند کرده و فاش کرد که نهادهای امنیتی ایران افزون بر به کارگیری شکنجه در برابر معترضان برای سرکوب اعتراضات و درهم شکستن روحیه اعتراض در میان جوانان، از روش تجاوز و خشونت های جنسی در برابر کودکان ۱۲ ساله نیز استفاده کرده اند.

عفو بین الملل در گزارش سال ۲۰۲۲ خود وضعیت حقوق بشری ۱۵۶ کشور جهان شامل ایران و افغانستان را زیر بررسی گرفته است.

اگنس کالامار، دبیرکل عفو بین الملل در جریان نشست خبری که دوشنبه ۷ فروردین به مناسبت انتشار این گزارش در پاریس برگزار شد، گفت که در سال گذشته میلادی، نیروهای دولتی ۸۵ کشور در برابر معترضان صلح آمیز، از «نیروهای غیرقانونی» خود بهره گرفته و نیز یادآوری کرد که در ۳۳ کشور، به کارگیری قوای غیرقانونی منجر به کشته شدن معترضان شده است.

خانم کالامار در مورد وضعیت حقوق بشری در ایران و افغانستان گفت که در ایران «زنان برای رقصیدن، آواز خواندن، نپوشیدن چادر و برای مقاومت کردن به دست نیروهای دولتی کشته شدند» و در افغانستان نیز وضعیت «حقوق زنان پس از برگشت طالبان به قدرت، چرخش بدتری داشته است».

درکنار این، نسیم پایانی، گزارشگر ارشد عفو بین الملل در امور ایران نیز در این نشست گفت که در جریان سال پسین میلادی، او و همکارانش با ده ها شاهد و منبع در ایران گفتگو کرده و «به کارگیری فزاینده و غیرقانونی» شلیک مهمات واقعی از سوی عوامل حکومت ایران در برابر معترضان را که منجر به آسیب دیدگی شدید آنان نیز شده، مستند کرده اند.

گزارشگر ارشد این نهاد حقوق بشری بین المللی در این مورد در نشست پاریس گفت:

«در حالی که ایران در سال ۲۰۲۱ شاهد افزایش درگیری ها و خشونت ها بود، در سال ۲۰۲۲ شاهد افزایش درگیری ها و خشونت ها بود. در حالی که ایران در سال ۲۰۲۱ شاهد افزایش درگیری ها و خشونت ها بود، در سال ۲۰۲۲ شاهد افزایش درگیری ها و خشونت ها بود.»

نسیم پایانی در بخشی از سخنان خود برخورد مقام های ایرانی با معترضان را «سرکوب وحشیانه و بی امان خیزش مردمی» توصیف کرده و تأکید نمود کودکان معترضی که در جستجوی «آینده ای عاری از

سرکوب سیاسی» صدا بلند کرده بودند نیز مورد «حمله همه جانبه» نیروهای حکومتی ایران قرار گرفتند.

پایانی در این گزارش سالانه عفو بین الملل، مستند کرده که نهادهای اطلاعاتی و امنیتی ایران «شکنجه های وحشیانه ای» را در برابر معترضان مرتکب شده اند.

دریافت رایگان خبرنامه ها خبر- پیامک های ما اخبار را بصورت زنده دریافت کنید

او در این مورد گفت:

«در سال ۱۳۹۵، عفو بین الملل گزارشی را منتشر کرد که در آن به نقض حقوق بشر در ایران اشاره می کرد. این گزارش به دلیل اینکه به نقض حقوق بشر در ایران اشاره می کرد، توسط مقامات ایرانی به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. مقامات ایرانی می گویند که این گزارش بی اساس است و به نقض حقوق بشر در ایران اشاره نمی کند. عفو بین الملل می گوید که این گزارش بر اساس تحقیقاتش تهیه شده است و به نقض حقوق بشر در ایران اشاره می کند.»

به گفته گزارشگر ارشد عفو بین الملل در امور ایران، از زمان آغاز تظاهرات در ایران، اقلیتها به گونه غیرقانونی هدف نیروهای دولتی قرار گرفته اند که در این میان بلوچها در سیستان و بلوچستان و کردها در استانهای کردستان و آذربایجان غربی بیشتر مورد ستم قرار گرفته اند.

عفو بین الملل برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشری در ایران می گوید از آنجایی که یک دورنمایی داخلی برای راه اندازی تحقیقات موثر و بیطرفانه وجود ندارد، دولت های جهان باید از صلاحیت قضایی بین المللی خود در برابر آن مقام های ایرانی که مشکوک به ارتکاب جرایم هستند، طبق قوانین بین الملل استفاده کنند.

افزون به این، در این گزارش سالانه عفو بین الملل، کشورهای غربی به «برخورد دوگانه» در برابر موارد نقض حقوق بشر در سراسر جهان متهم شده و نیز گفته شده واکنشی که غرب به موارد نقض حقوق بشر در

اوکراین نشان داده، در دیگر نقاط جهان دیده نشده است.

اگنس کالامار، دبیرکل عفوبین‌الملل در این مورد گفت واکنش‌ها به حمله روسیه به اوکراین نشان داد که «اگر اراده سیاسی وجود داشته باشد، چه اقداماتی ممکن می‌شود».

برگرفته از رادیو ار اف ای به زبان فارسی

28 مارس 2023

نوروز 1402 بر مردم آزادی‌خواه
ایران مبارک



شکنجه‌های «هولناک» علیه کودکان معترض در ایران



گزارش عفو بین‌الملل

25 اسفندر 1401

سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی خبر داد که نیروهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی از اقدامات «هولناکی» چون ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی علیه کودکان معترض در جریان اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» استفاده کرده‌اند.

AMNESTY
INTERNATIONAL



این سازمان حقوق بشری در گزارشی که روز پنج‌شنبه ۲۵ اسفند، به مناسبت ششمین ماه از آغاز اعتراضات سراسری در ایران، منتشر کرده به افشای شکنجه‌های نیروهای سپاه پاسداران، نیروهای

شبه‌نظامی بسیج، پلیس امنیت عمومی و سایر نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در مورد دختران و پسران بالاتر از ۱۲ سال با هدف گرفتن «اعتراف اجباری» پرداخته است.

عفو بین‌الملل گزارش اخیر خود را بر اساس اظهارات هفت کودک، ۱۹ شاهد عینی، دو وکیل و ۱۷ زندانی بزرگسال که در کنار کودکان بازداشت‌شده نگهداری می‌شدند، مستند کرده و آورده است که این قربانیان و شاهدان عینی از دست‌کم ده استان ایران تجربه‌های خود را با این سازمان در میان گذاشته‌اند.

بر اساس اسنادی که به دست عفو بین‌الملل رسیده است، تجاوز و سایر خشونت‌های جنسی، از جمله شوک الکتریکی به اندام‌های تناسلی، دست زدن به این اندام‌ها و تهدید به تجاوز و اعدام از جمله روش‌هایی بوده است که مأموران حکومتی زن و مرد به طور گسترده از آن‌ها برای تحقیر، تنبیه و گرفتن اعتراف از کودکان بازداشت‌شده استفاده می‌کردند.

این مأموران همچنین از توهین‌های جنسی علیه دختران و تجاوز با ابزارهایی مانند «شیلنگ» حتی در مورد پسران و حلق‌آویز کردن نمایشی برای تحت فشار قرار دادن کودکان بازداشت‌شده با هدف گرفتن اعتراف استفاده می‌کردند.

بر اساس اعلام شماری از کودکان بازداشت‌شده، شلاق زدن، شوک الکتریکی با استفاده از شوکر، تجویز اجباری قرص‌های ناشناس و نگه داشتن سر کودکان زیر آب از دیگر روش‌های شکنجه کودکان بوده است و بسیاری از این کودکان تهدید شده‌اند که در صورت اعلام نحوه شکنجه خود اتفاق بدتری برای آنها خواهد افتاد و جسدشان را به خانواده‌هایشان تحویل خواهند داد.

به نوشته عفو بین‌الملل، در یک نمونه شکنجه تحقیرآمیز، یک کودک پسر که پس از بازداشت به بازداشتگاه بزرگسالان منتقل شده بود به همراه سایر بازداشت‌شدگان در قفس قرار گرفته و مجبور شده بود که نیم‌ساعت صدای «مرغ» دربیاورد.

بنا بر گزارش عفو بین‌الملل، پسران بازداشت‌شده توسط مأموران موسوم به «لباس‌شخصی» پس از انتقال به مکان‌های غیررسمی و شکنجه و تهدید به تجاوز، به حالت نیمه‌هوشیار در مناطق دورافتاده رها شده‌اند و کودکانی نیز که توسط نیروهای رسمی حکومت بازداشت شدند پس از اجبار به «امضای توبه‌نامه» و «تعهد به عدم فعالیت‌های

سیاسی» و «لزوم شرکت در راهپیمایی‌های طرفدار حکومت» آزاد و خانواده برخی از آنها مجبور به ارائه وثیقه شدند.

همزمان با انتشار گزارش سازمان عفو بین‌الملل دایانا التهاوی، معاون مدیر منطقه‌ای این سازمان در خاورمیانه و شمال آفریقا، از خشونت به‌کاررفته علیه کودکان در جریان اعتراضات سراسری در ایران به‌عنوان «یک استراتژی عمدی برای درهم شکستن روحیه شاداب جوانان کشور و جلوگیری از مطالبه آزادی و حقوق بشر» نام برده است.

خانم التهاوی در ادامه خواستار «آزادی تمام کودکان بازداشت‌شده» و «تحقیقات بی‌طرفانه» در مورد شکنجه‌های صورت‌گرفته علیه این معترضان شده است.

آمارهای متفاوتی از بازداشت‌شدگان اعتراضات در ماه‌های گذشته منتشر شده است. رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که ۲۲ هزار نفر از کسانی که در جریان اعتراضات شش ماه گذشته بازداشت شده بودند، آزاد شده‌اند. بر اساس بولتن‌های محرمانه خبرگزاری فارس که اوایل ماه آذر منتشر شد این آمار ۲۹ هزار و ۴۰۰ نفر بوده است.

تاکنون آماری از کودکان بازداشت‌شده در اعتراضات «زن زندگی آزادی» منتشر نشده است، اما سازمان حقوق بشر ایران توانسته است تاکنون کشته شدن دست‌کم ۶۴ کودک را تأیید کند.

برگرفته از سایت ایران فردا

شنبه 27 اسفند 1401

“بیداران” فرقه افراطیِ مذهب مدنی



وُوکیزم (Wokeism)

هرمز هوشمند

گفته می شود انسان هائی که یکدیگر را از نزدیک نمی شناسند برای همکاری نیاز به ارزشها و دیدگاه های مشترک اخلاقی دارند.

از بدو شکل گیری تمدن بشری حاکمان و قدرتمداران برای برقرای و حفظ هیرارشی قدرت از روایتها، و بزبان مدرن ایدئولوژی استفاده کرده اند. این روایات یا ایدئولوژی ها ساخته ذهن انسان است که واقعیت های فیزیکی و تخیلی را در هم می آمیزد تا ساختار “خوب و بد” شکل دهد، که تبدیل به اخلاق جمعی میشود.



دیوید هیوم، فیلسوف تجربی قرن هجدهم، گفته ای دارد که می تواند در درک رفتار انسان، به ویژه در مواقع بحرانی، مفید باشد. او می گوید: “منطق برده احساسات تند است Reason is the Slave of Passion.” به عبارت دیگر، منطق نه تنها مستقل از احساسات ما نیست، بلکه تابعی از آن است. جدا کردن احساسات از منطق یک مفهوم ساختگی بشر برای درک رفتار انسانهاست. چنین تقسیم بندی پی در نظام طبیعی نیست. مغز ما دارای ساختاری کلی است، که در آن هم عوامل با هم کار می کنند. گزینه ها و نیازهای اساسی

که رفتار انسان اولیه را از زمان پارینه سنگی شکل داده اند، تا کنون تغییر چشمگیری نکرده اند. این درحالی است، که شرایط زیستی انسان ها دائماً در حال تغییر است. رفتار ما در مواجهه با شرایط جدید، به ویژه در مرحله های بحرانی، تفاوت چندانی نکرده است.

افزون بر این، در فرآیند تحول بیولوژیکی (Evolutionary Process) غریزه ها و نیازها نقش برجسته ای در شکل گیری رفتار انسان داشته اند و دارند. یکی از مهمترین رفتارهای بدوی ما "دنباله روی از جمع (herd mentality)" است. مذهب برپایه همین رفتار بدوی شکل گرفته است. کشتن خدا به دست انسان (به گفته فردریک نیچه) در دوران مدرن به این معنا نیست که رفتار مذهبی ما با مفهوم خدا از بین رفته است. در واقع روایتهای متافیزیکی منسوخ، و روایتهای نوینی جایگزین آنها شده اند.

در دنیای امروزی، نقد روایتهای متافیزیکی مذهبهای کهن ازطرف بخشی از مردم، منجر به پدیدار شدن روایتهای مدرن شده است. نتیجه این که رفتار مذهبی انسان ها شکل های تازه یی به خود گرفته اند. یکی از مهمترین روایت های مدرن، که جمعیت زیادی را هم مجذوب خود ساخته، روایت "حقوق بشر" است، که اخلاق انسان مدرن را تا حدود زیادی شکل داده است. چنین روایتی ساخته ذهن انسان با هدف شکل دادن به هیرارشی و مدیریت قدرت اجتماعی در دوران معاصر است. روایتهای مذهبی کهن در دوران گذشته نیز چنین نقش را بازی می کرده اند. امروزه خدا را از آسمان به روی زمین آورده ایم و انسان انتزاعی را مقدس و خدای گونه کرده ایم. اما این به آن معنا نیست که در برخورد با داستان "حقوق بشر" رفتار مذهبی و یا به گفته ای دیگر "دنباله روی از جمع (herd mentality)" را کنار گذاشته ایم.

"حقوق بشر" همچون مذهب های کهن نموده های فرقه یی گوناگونی دارد. برخی برون گرا و پرخاشگر و برخی درون گرا و صلح طلب. فرقه "بیداران (Wokeism)" یکی از جدید ترین فرقه های افراطی و تهاجمی از روایت "حقوق بشر"، و خواهان جهاد برای گسترش ارزشهای اخلاقی اش به تمام جهان است. این فرقه در حال حاضر با جریان "نئو محافظه کار (Neoconservatism)" پیوند خورده و در خدمت "قدرت برتر" در دنیای "غرب" قرار گرفته است. در دوران کلونیالیسم، قدرت سیاسی - نظامی اروپا در پیوند با مسیحیت برای دستیابی به سلطه جهانی بکار گرفته می شد، و امروزه

اتحاد " نئومحافظه کاران و بیداران" این هدف را دنبال می کند.

کریستوفر مات (Christopher Mott) در مقاله ژوئن 2022 "امپراتوری بیداران - 3 "Wock Imperium"، نتیجه گیری های کلی اتحاد " نئومحافظه کاران با بیداران" با ابعاد گوناگون اش در سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا را به قرار زیر توضیح داده است:

• برای توجیه مداخله گرایی از طرف مدافعان برتری طلب آمریکا در تشکیلات سیاست خارجی ایالات متحده، از نظر تاریخی آنها بر روایات ویا ایدئولوژی های غالب زمانه تکیه می کنند. فرقه "بیداران"، به هدف های امپریالیستی و هژمونی طلب آمریکا چهره اخلاقی جدیدی میدهد. این فرقه با نشان دادن ایالات متحده به عنوان کلانتر اخلاق بین الملل و نه یک قدرت بزرگ متعارف "نئوامپریالیسم اخلاقی" را نتیجه میگیرد.

• این یک فرآیند با روش سیستماتیک با منطق درونی خود است، نه فرآیندی که توسط یک گروه توطئه گر (cabal) جهانی سازمان داده شده باشد. وقتی منطقهای قدیمیتر برای برتری، هژمونی و مداخله گرایی دیگر پاسخگو یا قانع کننده نیستند، طبقه حاکم به منطق جدیدی نیاز دارد که هنجارهای طبقه حاکم آن دوران را بهتر منعکس کند و به عنوان جایگزین پذیرفته شود. البته هدف اصلی حفظ هیرارشی قدرت موجود است.

• نتیجۀ سیاسی فعالیت فرقه "بیداران" مداخلۀ تهاجمی برای استقرار "عدالت اجتماعی" در گوشه و کنار دنیاست. بروکراسی حاکم بر سیاست خارجی ایالات متحد آمریکا این ایدئولوژی را گسترش داده، و به ویژه از جانب اعضای جامعه دانشگاهی، رسانه ای و طبقه مدیران حرفه ای (professional managerial class) مورد توجه قرار گرفته و به سرعت پذیرفته شده است. این گروه ها هم اکنون سطح بیشتری از همزیستی و همکاری با دولت آمریکا را در بر گرفته اند.

• در این شرایط انتخاب حرفه و پیشرفت موقعیت شغلی در نهادهای قدرت، مستلزم علامت دادن به نخبگان حاکم، در وفاداری به "پروگرسیزم" (جهانشمولی) ایدئولوژی رایج و مورد تأیید حاکمان آمریکا است. این جریان ایدئولوژیک در تداوم سیاست مداخله گرایی تهاجمی ایالات متحده بیشتر از پیش دامن میزند. ترکیب این عوامل سبب تشویق

نهادهای و نخبگان جدید در رواج شعارهای مد روز می شود.

- برآمد این سیاست سلطه طلب جدید با روایت امپریالیسم اخلاقی، در تضاد قرار میگیرد با ارزیابی هوشیارانه و واقع بینانه از منافع ایالات متحده. فرقه "بیداران" با ایجاد اهداف حداکثری، غیرقابل دوام و تخیلی که با واقعیت های ملموس که استراتژی کلان ایالات متحده باید بر آن استوار باشد در تضاد قرار میگیرد.

- با ترویج اخلاق گرایی و مهندسی اجتماعی در سطح جهانی، گرایش لیبرال آتلانتیسیست (Liberal-Atlanticist)، پتانسیل زیادی برای ایجاد واکنش منفی در دنیای "غیر غربی" دارد. چنین گرایشی "غرب" را به عنوان یک کل با آرمان های یک نیروی حاشیه ای " پروگرسیزم پست مدرن" شناسایی می کند، و می تواند شکل های جدیدی از ضدیت با "غرب" را در دنیای "غیر غربی" دامن بزند.

همانطور که در مقدمه آمده است، همکاری در جوامع مستلزم وجود روایت مشترک است. بدون چنین روایتی همکاری جمعی امکان پذیر نیست. نباید فراموش کرد، که این روایت ها ساخته و پرداخته ذهن انسان، با هدف مدیریت اجتماعی ست، و نه یک پدیده طبیعی، مطلق و یا مقدس. روایت "حقوق بشر" از جمله روایت هایی است، که تا زمانی که بتواند پاسخگوی مدیریت اجتماعی و حفظ هیرارشی قدرت باشد به حیات خود ادامه می دهد. همانطور که در دوران ماقبل مدرن مذاهب کهنه این نقش را بازی می کردند و بعضا هنوز هم به کار خود ادامه می دهند.

آنچه تنش را در جوامع افزایش میدهد، برداشت افراطی، چه از مذهب های کهن و چه از روایت های مدرن است. فرقه "بیداران" برداشتی افراطی و میلیتانت از روایت "حقوق بشر" است که دردست بخشی از حاکمان ایالات متحده و دنیای "غرب" مسئول ایجاد تنش در جهان برای حفظ نظم جهانی موجود است. این فرقه در حال حاضر با سیاست های "هویتی (Identity Politic)" و عمده کردن "برابر طلبی" خود، اختلافها و درگیری ها در اینجا و آنجا جهان را دامن می زند، تا مبارز طبقاتی و نابرابری اقتصادی، که با هدف های سلطه گرایان^۱ حاکمان قدرتمند جهان "غرب" همخوانی ندارد، را به حاشیه براند.

ما در دوران پسا کلونیال و در گذار از دنیای تک قطبی به دنیای چندقطبی هستیم. اگر استفاده از نیروی نظامی در دوران کلونیال برای کشورهای کلونیال اروپایی نتیجه بخش بود، امروز کارایی خود

را تا حدودی از دست داده است.

در حالی که "غرب" به رهبری آمریکا در اکثر اقدامات نظامی خود پس از فروپاشی شوروی شکست خورده، برای حفظ هژمونی خود در جهان، سعی می کند از دو ابزار دیگر، اقتصادی و اخلاقی، که در اختیار دارد استفاده کند. به همین دلیل است که تحریم های اقتصادی بیش از هر زمان دیگری از سوی کشورهای "غربی" علیه مخالفان خود به کار گرفته میشود.

مهمتر از ابزارهای اقتصادی، ابزارهای اخلاقی است. مهم ترین ابزار اخلاقی، روایت "حقوق بشر" بخصوص سیاست های "هویتی (Identity Politic)" آن است. فرقه "بیداران" نیرویی است که با استفاده افراطی از روایت "حقوق بشر" با اهداف هژمونیک "غرب" در برابر مخالفان خود همسو می شود. آنچه مهم میباشد، تفکیک و نقد استفاده ابزاری و افراطی از روایت "حقوق بشر" توسط نیروهای هژمونیک طلب "غرب" است.

هرمز هوشمند

۲۳ اسفند ۱۴۰۱

۱۴ مارس ۲۰۲۳

لینک ها :

1 - مذهب مدنی

http://www.robertbellah.com/articles_5.htm

<https://www.youtube.com/watch?v=p2WsKuhRcFo>

2 - وُوکیزم

[Wokeism - YouTube](#)

3 - امپراتوری بیداران - Wock Imperium

[Woke Imperium: The Coming Confluence Between Social Justice and Neoconservatism - The Institute for Peace and Diplomacy - l'Institut pour la paix et la diplomatie \(\(peacediplomacy.org](#)